

## نظام های سیاسی مختلف

### بعد سیاسی هویت ایرانی

درس نهم

جامعه علاوه بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردار است. جوامع با پذیرش نظام های سیاسی متفاوت هویت های سیاسی متنوعی پیدا می کنند. آیا می دانید جوامع از نظر هویت سیاسی چه انواعی دارند؟ به نظر شما هویت سیاسی و هویت فرهنگی یک جامعه چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ آیا هر نوع هویت سیاسی با هر نوع هویت فرهنگی سازگار است؟ برای پاسخ به این سؤالات باید با مفاهیم قدرت و قدرت اجتماعی، مقبولیت و مشروعیت، سیاست و نظام سیاسی آشنا شوید.

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است که دو نوع قدرت دارد؛ قدرت فردی و قدرت اجتماعی. قدرت فردی انسان محدود است. او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. هنگامی که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد، قدرت اجتماعی پیدا می‌شود. کسانی که در زندگی توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. برای تأثیرگذار شدن بر اراده دیگران چه کار می‌کنیم؟ قدرت اجتماعی، بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیت آنهاست. جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است:

تبعیت با کراهت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد و تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

### تبعیت با کراهت

### تبعیت با رضایت

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید دارای مقبولیت است و قدرتی که براساس شریعت و موافق حکم خداوند است دارای مشروعیت می‌باشد. مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود و مدار مشروعیت حق و باطل بودن است. اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت. هنگامی که قدرت بر خلاف قانون الهی باشد اما تبعیت از آن با رضایت باشد، قدرت مقبول ولی غیرمشروع است. در یک جامعه دینی قدرت نامشروع نمی‌تواند مقبولیت لازم را به دست آورد.

سیاست چیست و چه رابطه‌ای با قدرت دارد؟ هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین

سازمان یابد، سیاست پدید می‌آید؛ یعنی سیاست اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به اهداف است.

هر جامعه، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به آرمان‌ها و ارزش‌های خود دست یابد. مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

## هویت سیاسی چه انواعی دارد؟

دانستید که هویت سیاسی جوامع مختلف با یکدیگر تفاوت دارد زیرا جوامع نظام‌های سیاسی یکسانی ندارند. نظام‌های سیاسی چه انواعی دارند و با چه ملاک‌هایی می‌توان نظام‌های سیاسی را دسته‌بندی کرد؟ آیا می‌توانید چند نوع نظام سیاسی نام ببرید؟

نظام‌های سیاسی را می‌توان براساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی دسته‌بندی کرد. از جمله:

براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- نظام‌هایی که در آن یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد.
- نظام‌هایی که در آن یک اقلیتی تصمیم‌گیرنده هستند.
- نظام‌هایی که در آن اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارند.

براساس روش تصمیم‌گیری؛

با این ملاک می‌توان نظام‌های سیاسی را به سه دسته تقسیم نمود:

- نظام‌هایی که در آن حاکم یا حاکمان کسانی براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می‌گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز و مباح می‌دانند.
- نظام‌هایی که در آن حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

ارسطو از این دو ملاک برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده کرده و از شش نوع نظام سیاسی نام برده است. همان‌طور که در جدول می‌بینید در سه نوع از این نظام‌های سیاسی، یک فرد، اقلیت یا اکثریت براساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت براساس حقیقت و فضیلت استوار است.

پادشاهی

جمهوری

شما با نام برخی از این انواع آشنا هستید. اکنون می‌توانید این نظام‌های سیاسی را با توجه به تعداد حاکمان و روش حکومت، با یکدیگر مقایسه کنید. آیا می‌توانید بگویید جمهوری و دموکراسی از نظر ارسطو چه تفاوتی دارند؟

#### دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها

براساس خواست و میل حاکم	براساس فضیلت	روش حکومت
		تعداد حاکمان
استبدادی	موناشری	فرد
الیگارشی	آریستوکراسی	اقلیت
دموکراسی	جمهوری	اکثریت

برخی اندیشمندان اجتماعی و سیاسی، ملاک‌های دیگری بر ملاک‌های ارسطو افزوده‌اند و گونه‌شناسی دیگری از نظام‌های سیاسی ارائه کرده‌اند. برای مثال فارابی ملاک دین‌مداری یا دنیامداری نظام سیاسی را نیز در نظر گرفت. نظام سیاسی دینی و دین‌مدار بر اساس احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد در مقابل نظام سیاسی دنیامدار، فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این جهانی را مورد توجه قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱- در دسته‌بندی فارابی از جوامع، مدینه فاضله، جامعه‌ای الهی است که براساس قوانین الهی شکل می‌گیرد. سایر جوامع که آرمان‌ها و ارزش‌هایشان الهی و عقلانی نیست، جوامع جاهله هستند که براساس نوع آرمان‌ها و ارزش‌هایی که دارند، به اقسامی تقسیم می‌شوند.

درباره تفاوت جمهوری و دموکراسی از دیدگاه ارسطو گفت و گو کنید.

## لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی با چه فرهنگ‌هایی سازگارند؟

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دو نوع نظام سیاسی شناخته شده در دنیای امروز هستند. درباره این دو نظام سیاسی چه می‌دانید؟ هرچند این دو نوع نظام سیاسی هر دو حکومت اکثریت هستند اما از نظر روش تصمیم‌گیری، دین مدار یا دنیا مدار بودن و آرمان‌ها و ارزش‌هایی که تعقیب می‌کنند کاملاً با یکدیگر متفاوتند. آیا می‌توانید به برخی از این تفاوت‌ها اشاره کنید؟ با توجه به دو واژه دموکراسی و جمهوری، تفاوت این دو نوع نظام سیاسی در روش تصمیم‌گیری و شیوه حکومت آشکار است اما این دو نوع نظام چه تفاوت‌های دیگری با هم دارند و هر کدام با چه نوع فرهنگی سازگارند؟

لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان‌هاست و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم بر اساس خواست و میل خودشان است بنابراین لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی‌شناسد و همچنین حکومتی دنیوی است. در این نظام سیاسی فقط می‌توان از مقبولیت نظام دم زد و نمی‌توان از مشروعیت سخنی گفت. آیا می‌دانید چرا؟

این نظام سیاسی با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد و آزادی را مهم‌ترین ارزش اجتماعی می‌داند، سازگار است. توسعه، رفاه، سلطه بر طبیعت و بر جهان از دیگر ارزش‌های مهم در این نظام سیاسی است.

اگر لیبرال دموکراسی حکومت اکثریت مردم بر اساس خواسته‌هایشان است، نارضایتی مردم از این نظام سیاسی و اعتراضاتی که درون این نظام شکل می‌گیرد را چگونه می‌توان تحلیل و تبیین کرد؟

## جمهوری اسلامی

## انتخابات

جمهوری اسلامی، نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه امت اسلامی قرار گرفته است. عنوان جمهوری در این ترکیب به این معناست که مردم جامعه خود سرنوشت سیاسی خود را تعیین می‌کنند و کلمه اسلامی نشان‌دهنده این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی براساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کند. در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست اکثریت مردم وضع نمی‌شوند بلکه اساس احکام الهی و اسلامی تعیین می‌گردند.

عدالت، استقلال، آزادی، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تأمین اجتماعی، تلاش برای عمران و آبادانی، مشورت و مشارکت در امور عمومی، ارتقا معرفت و آگاهی نسبت به اسرار و حقایق آفرینش از جمله ارزش‌های این نظام سیاسی است.

آرمان‌ها و ارزش‌هایی که لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دنبال می‌کنند، یکسان نیستند. حتی در مواردی که یک ارزش برای هر دو نظام دارای اهمیت است، تعریف و تفسیری که از آن وجود دارد، یکسان نیست. آیا می‌دانید آزادی برای هر یک از این دو نوع نظام سیاسی چه معنایی دارد و هر کدام به دنبال تحقق چه معنایی از آزادی هستند؟

در نگاه اسلامی ارزش‌ها اهمیت الهی و دینی دارند بنابراین دستیابی به آنها یک وظیفه الهی است و نه تنها منجر به بهبود زندگی اجتماعی دنیوی خواهد شد بلکه مانند سایر عبادات سبب تقرب انسان به خداوند نیز می‌شود.

در آموزه‌های اسلامی هر مسلمانی که شب را به صبح برساند و به فکر امت اسلامی نباشد مسلمان نیست و مسلمانان موظفند همه مستضعفان و مظلومان را یاری کنند، عبادات هنگامی که بعد اجتماعی وسیعتری پیدا میکنند، ارزش بیشتری می‌یابند. در برخی از روایات، مسئولیت متقابل امت و امام به‌عنوان مهم‌ترین مسئولیت یاد شده است.

امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت‌های غیرالهی خودداری کند و در شکل‌گیری امامت و ولایت الهی براساس موازین و ارزش‌های اسلامی هوشمند و فعال باشد.

حضور مردم در یک حکومت لیبرال دموکراسی چه تفاوتی با حضور مردم در جمهوری اسلامی دارد؟





افزایش جمعیت

فعالیت اقتصادی

## ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران

درس دهم

در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی آنها اشاره می‌شود. آیا می‌دانید چرا؟ جوامع هویت جمعیتی و اقتصادی دارند از این رو در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی آنها نیز اشاره می‌کنند.

اندازه جمعیت و جوان یا پیر بودن، روستایی یا شهری بودن، بیکار یا شاغل بودن آنها از جمله ویژگی‌های جمعیتی یک جامعه است.

دولتی یا غیردولتی بودن، مستقل یا وابسته بودن، تک محصولی بودن یا نبودن، سرمایه‌داری یا سوسیالیستی یا اسلامی بودن اقتصاد نیز از جمله ویژگی‌های اقتصادی یک جامعه است.

جمعیت و اقتصاد هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟ آیا می‌توانید به برخی از ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی جامعه ایران اشاره نمایید؟

## جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

جمعیت هر جامعه، بخشی از هویت آن محسوب می‌شود. اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. اگر اعضای یک جامعه از بین بروند، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود جمعیت، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند. اما آیا صرف اندازهٔ جمعیت، برای بقا و رشد جامعه کفایت می‌کند؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

گسترش یک جامعه از طریق گسترش فرهنگ آن صورت می‌گیرد. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهدهٔ افراد و اعضای جامعه برمی‌آید. اعضای جامعه، حامل فرهنگ و عامل به آن هستند. هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ بیشتر باشند، آن فرهنگ، بیشتر گسترش می‌یابد. یعنی هر چقدر جمعیت یک جامعه بیشتر باشد، افراد بیشتری فرهنگ آن جامعه را شناخته و پذیرفته‌اند و به آن عمل می‌کنند.

افزایش جمعیت یک جامعه، زمینه‌ساز گسترش فرهنگ آن و کاهش جمعیت یک جامعه نیز به منزلهٔ محدود شدن گستره فرهنگ آن است که می‌تواند امکان تسلط جوامع و فرهنگ‌های دیگر بر آن جامعه را فراهم آورد.

### آیا گسترش هر فرهنگی مطلوب است؟

اگر فرهنگ جامعه‌ای که قرار است با افزایش جمعیت، بسط یابد، فرهنگ حق باشد، نه فرهنگ باطل؛ و همچنین افراد و اعضای این جامعه حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت مطلوب است بنابراین گسترش فرهنگی مانند فرهنگ اسلامی مطلوب است و داشتن جمعیت مناسب برای تحقق این هدف لازم و ضروری می‌باشد.

آیا می‌دانید جامعه ما از نظر جمعیتی چه وضعیتی دارد؟ تأمین جمعیت جامعه یکی از کارکردهای اجتماعی مهم خانواده است. اختلال در نهاد خانواده، جوامع را با کاهش جمعیت مواجه می‌سازد. امروزه برخی جوامع به دلایلی مانند بالارفتن سن ازدواج، افزایش بی‌ثباتی، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، رفاه‌زدگی، عافیت‌طلبی، مصرف‌گرایی و هزینه پنداشتن فرزندان با مسائلی مانند کاهش جمعیت یا پیری و سالمندی جمعیت مواجه‌اند.

پیش از این کاهش جمعیت از جمله مسائل و مشکلات جوامع غربی بود؛ زیرا تشکیل خانواده و فرزندآوری نیازمند محبت، ایثار و فداکاری است، ولی در جوامع غربی به دلیل فردگرایی و اهمیت یافتن لذت، محبت و ایثارگری کاهش یافته بود و به فرزندآوری کمتر و کاهش شدید جمعیت منجر شده بود. به همین دلیل، این جوامع سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت و همچنین پذیرش مهاجران را در دستور کار خود قرار دادند. اما امروزه جامعه ما هم با مسأله کاهش جمعیت روبه‌رو است. به نظر شما کاهش جمعیت در کشور ما چه دلایلی داشته است؟ ما برای حل این مشکل چه تدابیر و راه‌حلهایی در نظر گرفته‌ایم؟

در مواقعی که یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نهاد سیاست که مسئولیت هماهنگی نهادها را برعهده دارد، برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم راهکارهایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در راستای افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

کشور ما، ایران، در دو برهه زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد. یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و دیگر بار، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰. کاهش بیش از حد و کم سابقه رشد سالانه جمعیت در سال‌های اخیر، تغییر و بازنگری در در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت و سرانجام در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب گردید که در آن به ضرورت‌هایی از جمله افزایش جمعیت، جوانی جمعیت، حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی ایرانی - اسلامی، فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های ایشان، برنامه‌ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور و... توجه شده است.

#### هم‌اندیشی کنید

به نظر شما چه عواملی موجب شده است که تمایل به فرزندآوری در جامعه ما کم شود؟ چرا برخی خانواده‌های ایرانی ترجیح می‌دهند که فقط یک فرزند یا حداکثر دو فرزند داشته باشند؟ آیا سیاست‌های تشویقی در راستای افزایش جمعیت مؤثر بوده‌اند؟

به خاطر دارم که چند سال پیش، یک روز پدرم پاکتی را به من داد که روی آن نوشته شده بود اسناد خانوادگی. درون پاکت شجرنامه‌ای به چشم می‌خورد. شجرنامه‌ای مثل همه شجره نامه‌ها که نشان می‌داد مثلاً ساموئل در سال ۱۸۲۷ میلادی متولد شده و در سال ۱۸۸۱ میلادی از دنیا رفته است، نامش با خطی به نام ماریا که همسر او بوده وصل شده و در ذیل نام آن دو خطوط شاخه شاخه‌ای به چشم می‌خورد که دخترها و پسرهایشان را نشان می‌داد. خطوط را دنبال کردم تا به نام پدر و مادرم و خودم رسیدم. به این فکر کردم که این افراد که بوده‌اند؟ چگونه روزگار گذرانده‌اند؟ اصلاً زندگیشان چه فایده‌ای داشته است؟ آنگاه به یاد آیاتی در عهد عتیق افتادم که به ترتیب از افرادی نه چندان شناخته شده نام می‌برد تا در نسل هشتم به نام داوود علیه السلام می‌رسد و این‌گونه از او یاد می‌کند که او پادشاهی بزرگ بود و برگزیده خداوند. فکر می‌کنم اگر این شجره در جایی قطع شده بود، داوودی پدید نمی‌آمد. اگر اجداد من هم نبودند، من متولد نمی‌شدم و اگر من به دنیا نیامده بودم، فرزندان و نوادگانم در آینده پا به این دنیا نمی‌گذاشتند. کسی چه می‌داند شاید هدف از تولد من پیدایش کسی به بزرگی و سروری داوود در نسل‌های آینده من باشد. شاید یکی از فرزندان یا نوادگان من آدمی بزرگ باشد. چه حس خوشایندی! حتی اگر کسی به یاد نیاورد که من که بوده‌ام و چه کرده‌ام. همین قدر که من معبری باشم برای گذر آیندگانی که شاید داوودی در میانشان باشد، کاری بزرگ است و البته بس دشوار. باید سعی کنم که این دنیا را خراب نکنم، آن را اندکی اصلاح کنم، بهتر از آنچه به من داده شده یا حداقل سعی کنم که آن را خراب نکنم و دست‌نخورده تحویل آیندگان بدهم تا زندگی ام بی‌ثمر نبوده باشد. آن وقت آیندگانم از من به نیکی یاد خواهند کرد حتی اگر نامم را ندانند یا وقتی آن را در شجرنامه خانوادگی می‌بینند به نظرشان چندان شناخته شده نباشد.

## اقتصاد هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

افراد می‌توانند با معرفی خود به عنوان کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و خود را از دیگران متمایز کنند. همه ما مصرف‌کننده یا مالیات‌دهنده نیز هستیم. برخی از افراد، کم‌فروش، محتکر، دلال و... هستند اما آن را مخفی می‌کنند. این عناوین همه نشان‌دهنده هویت اقتصادی افراد است. جوامع نیز هویت اقتصادی دارند و با ویژگی‌های اقتصادی از دیگر جوامع متمایز می‌شوند. آیا می‌دانید جامعه ما از نظر اقتصادی چه ویژگی‌هایی دارد؟ هویت اقتصادی جامعه ما چه فراز و فرودهایی داشته است؟

اقتصاد امروز ما نتیجه رویدادهای گذشته و عملکردهای کنونی ماست. این اقتصاد از سویی دستاوردهای اقتصادی چشمگیری داشته است؛ مانند گسترش بهره‌مندی مردم کشور از آب و برق و گاز و ارتباطات، ایجاد زیرساخت‌هایی همچون سدها و نیروگاه‌ها، توسعه ظرفیت تولیدی کشور، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته‌ای و نانو، بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ، جبران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مقابله با تحریم‌ها، گسترش روحیه انفاق، توجه به مستضعفان و محرومان و از سوی دیگر با معضلاتی مانند تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی، دست به گریبان بوده است.

کشف نفت و کسب درآمد از راه فروش نفت یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر هویت اقتصادی جامعه ما بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی به افزایش دارایی‌های جامعه می‌انجامد اما اگر به درستی استفاده نشود، اقتصادی وابسته ایجاد می‌کند که رشد و افول آن، به قیمت نفت و درآمد حاصل از آن وابسته است. آیا می‌دانید اقتصاد نفتی چه ویژگی‌هایی دارد؟ اقتصاد نفتی اقتصادی تک‌محصولی است. آیا می‌دانید تک‌محصولی شدن اقتصاد چه پیامدهایی دارد؟

اقتصاد نفتی به دلیل آنکه درآمدی هنگفت و بدون زحمت نصیب جامعه می‌کند، انگیزه برای انجام فعالیت‌های تولیدی را کاهش می‌دهد، دولت بزرگی به وجود می‌آورد که می‌کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار یا اخذ مالیات، هزینه‌های کشور را تأمین کند و برای مردم رفاه اجتماعی به ارمغان بیاورد. اما این رفاه پایدار نیست چراکه اقتصاد تک‌محصولی وضعیتی ناپایدار به وجود می‌آورد که زمینه سوء استفاده قدرت‌های جهانی را فراهم می‌کند. آنها از این ضعف اقتصادی به عنوان ابزاری برای ایجاد فشار بر جامعه استفاده می‌کنند.

هویت جوامع غربی براساس اقتصاد شکل گرفته است. اقتصاد سرمایه‌داری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هویتی این جوامع است. آنها هیچ مانعی را بر سر راه اقتصاد خود بر نمی‌تابد و شیوه‌های اقتصادی ناسازگار با اقتصاد سرمایه‌داری را در سراسر جهان نابود می‌کند. استعمار و تحریم اقتصادی از جمله اقدامات جوامع غربی برای پیشرفت اقتصادی خود و نابودی اقتصاد دیگر جوامع بوده است. به همین دلیل است که برخی کشورهای غربی، اقتصاد نفتی را پاشنه آشیل ایران اسلامی تشخیص داده و جنگ اقتصادی تمام عیاری علیه کشور ما به راه انداخته‌اند. در چنین موقعیتی راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی قصد دارد هویت اقتصادی خود را از طریق اقتصاد مقاومتی بازسازی نماید.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با باور به تعالیم حیات‌بخش اسلام و تکیه بر دانش و فن‌آوری و ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، هویت اقتصادی نوینی برای ایران می‌سازد تا بتواند مسیر پیشرفت را بدون تأثیرپذیری از موانع بین‌المللی و

داخلی طی نماید. اقتصاد مقاومتی بر استقلال، خودکفایی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری، امید، همبستگی درون‌زایی در عین برون‌گرایی<sup>۱</sup> تأکید می‌نماید، از خام‌فروشی ثروت‌های طبیعی<sup>۲</sup> منع می‌کند و همچنین با حضور فعال و مؤثر در جهان، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت را به ارمغان می‌آورد.

## بخوانیم و بدانیم

جنگ جهانی دوم آلمان و ژاپن را به خاک سیاه نشاند و اقتصادشان را نابود کرد. با این حال آلمانی‌ها و ژاپنی‌ها خواستند که دوباره بایستند و جامعه را از نو بسازند. کار راحتی نبود. آنها نفت و گاز نداشتند که صادر کنند و به جایش کالای خارجی وارد نمایند و روزگار بگذرانند. تنها راه چاره‌شان روی آوردن به تولید و حمایت از آن بود. همین کار را هم کردند. دولت‌هایشان سیاست افزایش صادرات و کاهش واردات را در پیش گرفتند. سرمایه‌داران و صنعت‌گران‌شان تمام توان خود را برای تولید به کار گرفتند و البته از فرصتی که در غیاب رقبای خارجی دست داده بود، برای پر کردن جیب‌های خود از پول استفاده نکردند. آنها سعی کردند با افزایش کیفیت و کاهش قیمت کالاها، قدردان واقعی هموطنان و مشتریان خود باشند. مردم نیز از مصرف‌گرایی افراطی دست برداشتند. چند سالی «کالای داخلی بخر» را شعار خود قرار دادند و پس از چند سال حمایت همه‌جانبه از کالای داخلی، این شعار را به «کالای با کیفیت داخلی بخر» تغییر دادند تا امروز در این افتخار که کشورشان رقیبی برای قدرتهای بزرگ اقتصادی دنیاست، سهیم باشند.

هند و فرانسه و سنگاپور و انگلستان و بسیاری دیگر از کشورها هم تجربه موفق حمایت از کالاهای داخلی را در کارنامه اقتصادی خود دارند. با اینکه برخی از این کشورها امروز عضو سازمان تجارت جهانی هستند و به ظاهر اصول این سازمان، از جمله این اصل که لازم است کشورها در مورد کالاهای داخلی و وارداتی رفتار کاملاً یکسانی داشته باشند، را پذیرفته‌اند اما در عمل همچنان ترجیح می‌دهند که تولیدات ملی خودشان را مصرف کنند زیرا می‌دانند اشتغال‌زایی، کارآفرینی، بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی، استقلال اقتصادی و فرهنگی و... در گرو حمایت از تولید ملی است. زیرا می‌دانند حمایت از کالای داخلی، حمایت از خودشان است.

۱- اقتصادی که مانند چشمه‌ای از درون می‌جوشد و بر تولید داخلی قوی خود متکی است، ولی صرفاً برای خود تولید نمی‌کند بلکه تولیدات خود را به‌صورتی متعادل با سایر کشورها مبادله می‌کند.

۲- فروش نفت خام بدون تبدیل آن به مواد دارای ارزش افزوده بالاتر، مانند محصولات پتروشیمی در داخل.

حمایت از تولید ملی یکی از راهکارها برای تحقق اقتصاد مقاومتی است اما آیا حمایت از تولید ملی به معنای خرید چشم بسته کالای داخلی با هر کیفیت و قیمتی است؟ نه. حمایت از تولید ملی یعنی کمک به صنعت کشور برای تولید کالایی با کیفیت و قیمت مناسب.

ما، دولت و تولیدکنندگان هر کدام در این زمینه وظایفی داریم. دولت می‌تواند با ارائه تسهیلات به تولیدکننده، ممنوعیت واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، افزایش تعرفه‌های گمرکی بر کالاهای وارداتی و... از تولید ملی حمایت کند. تولیدکننده باید روحیه سودجویی و فرصت‌طلبی را کنار بگذارد و خدمت به مردم و جامعه را هدفی مهم بداند و... ما چگونه می‌توانیم از تولید ملی حمایت کنیم؟ شما تا به حال از کدام کالاهای ایرانی حمایت کرده‌اید؟ چگونه؟ به نظر شما چرا برخی ترجیح می‌دهند کالای خارجی مصرف کنند؟

شاید در نگاه اول این طور به نظر برسد که شما هنوز در انتخاب کالاهای مصرفی در خانواده‌تان نقش چندانی ندارید اما اگر کمی بیشتر فکر کنید می‌بینید که اینطور نیست. به علاوه شما می‌توانید درباره ضرورت حمایت از کالای ایرانی با اعضای خانواده‌تان گفت‌وگو کنید و آنچه را که در این درس خوانده‌اید با آنها در میان بگذارید.

